

		بسمه تعالی		مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه	
		امتحانات تجدیدی - شهریور ماه ۱۳۹۲		معاونت آموزش	
		پاسخنامه مدارس شهرستان		اداره ارزشیابی و امتحانات	
				کمیسیون طرح سؤال	
نام کتاب: صرف ساده - بفش عربی					
لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)					

تستی

۱. با توجه به وجوه استعمال اسم تفضیل، کدام عبارت صحیح است؟

ج ۲۲۶-۲۲۷

ا. زید و بکر أصدقا رجل

ب. فاطمة الأفضل

ج. زینب أفضل من هند

د. علی و حسین أعلمان من زید

۲. با توجه به قوانین اسم منسوب، کدام گزینه صحیح است؟

ج ۲۸۷-۲۸۸

ا. یاء نسبت بعد از تاء تأنیث به کلمه اضافه می‌شود

ب. اسم شبه صحیح در هنگام نسبت، حکم منقوص را دارد

ج. ما قبل یاء نسبت باید مکسور شود

د. «أخ» در هنگام نسبت «أخی» می‌شود

۳. در کدام مورد، مؤنث و مذکر بودن اسم، هر دو جایز است؟

ب ۲۴۴

ا. جمع مکسر

ب. اسم شهرها

ج. جمع بدون مفرد

۴. کدام گزینه تعریف «اسم جمع» است؟

أ ۲۸۴

ا. اسم موضوع لمعنی الجمع و لا مفرد له من لفظه

ب. جمع تکسیر علی وزن أفاعل و افاعیل فهو اسم جمع

ج. اسم تضمن معنی الجمع و مفرده یمتاز بتاء التأنیث

د. کل جمع تکسیر حرفه الثالث ألف زائدة

تشریحی

۱. قواعد اعلال زیر را توضیح داده، بر مثال‌های داده شده پیاده کنید.

۱۹۶-۱۹۹

ا. هر گاه دو واو در ابتدای اسم قرار گیرند، واو اول واجب است.

که قلب به همزه شود مثل: وواقی: أواقی

ب. تقلب الیاء واواً وجوباً إذا وقعت لاماً لموصوف علی وزن فَعْلَى مثال: فَتَبَى:

واجب است قلب به واو شود به شرط آن که بر وزن فَعْلَى باشد

مثل: فَتَبَى: فتوی.

۲. نوع مصدرهای زیر را نام برده، تعریفشان را بنویسید. ۲۰۳-۲۰۸

ا. انسانیة: مصدر صناعی؛ کلمة تصاغ من زیادة یاء مشددة و تاء مربوطة فی آخر الاسم مطلقاً، لها معنی المصدر.

ب. مَوَعِد: مصدر میمی؛ مصدر قیاسی ای که در ابتدایش میم زائدی است و معنایش مثل مصدر است.

ج. ضَرِبَ بَکْرٌ ضَرْباً: مصدر مجهول؛ المصدر الذی یكون مصدرراً للفعل المجهول.

د. وَدَّوْا لَو تَدَهْن: مصدر مؤول؛ المصدر الذی یُسْتَنْجَجُ من الاحرف المصدریة (ما - أن - أن - کی - لو) و ما بعدها.

۳. صفت مشبیه را تعریف کرده، شباهت و تفاوت آن را با اسم فاعل بنویسید. ۲۱۸

اسم مشتق یدلّ علی صفة و صاحبها و ثبوت تلك الصفة له. وجه تفاوت: دلالت صفت مشبیه بر صفت، ثبوتی است و دلالت اسم فاعل، حدوثی

است. وجه شباهت: صفت مشبیه همچون اسم فاعل بر معنایی و صاحب آن معنا دلالت کرده، تننیه و جمع و تذکیر و تأنیث می‌پذیرد.

* قد یبنی من بعض الاسماء الجوامد الثلاثية صيغة على وزن «مفعلة» تدل على كثرة افراد ذلك الاسم في المكان، نحو «مكتبة».

۴. عبارت را توضیح داده، با توجه به آن معنای «مکتبه» را بنویسید. ۲۲۹-۲۳۱

گاهی از بعضی اسماء ثلاثی جامد، کلمه‌ای بر وزن «مفعلة» ساخته می‌شود که دلالت می‌کند بر زیاد بودن آن افراد در آن مکان، بنابر این معنای مکتبه، مکانی است که کتاب در آن زیاد است.

۵. در مثال‌های زیر، اسم‌های مؤنث معنوی را مشخص کرده، بنویسید از چه راهی می‌توان فهمید این کلمه مؤنث معنوی است. ۲۳۹

أ. وَبَرَزَتِ الْجَحِيمُ	نازعات/۳۶	جحیم؛ از آن‌جا که فعلش مؤنث آورده شده است
ب. هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ	یاسین/۳۶	جهنم؛ اسم اشاره مؤنث و صفت (التي) مؤنث آمده است
ج. عَيْنٌ جَارِيَةٌ	غاشیه/۱۲	عین؛ صفت مؤنث برایش آمده است
د. وَالشَّمْسُ وَضَحَاهَا	شمس/۱	شمس؛ ضمیر مؤنث به آن برگشته است

۶. مثنی و جمع هر یک از اسماء زیر را بنویسید. (با اعراب گذاری) ۲۵۱-۲۵۶

أ. هادی:	مثنی: هادیان - هادیین جمع: هادون - هادین
ب. عصا:	مثنی: عَصَوَان - عَصَوِين جمع: عَصَوْن - عَصَیْن
ج. زکریاء:	مثنی: زکریاوان - زکریاویْن جمع: زکریاؤون - زکریاویْن

* الجمع المكسر جمعُ ناب عن ثلاثة من افراد مفردة فصاعداً بتكسّر بناء المفرد، و تكسر بناء المفرد بتغيّر الوزن فقط، أو بتغيّر الوزن مع نقصان الأحرف أو

زیادتها. ۲۶۳

۷. أ. با توجه به عبارت، «جمع مکسر» را تعریف کنید. ب. برای موارد مشخص شده، مثال بزنید.

أ. جمع مکسر جمعی است که بر سه نفر از افراد مفردش و بیشتر دلالت می‌کند، و البته بنای مفرد و ساختمان آن شکسته می‌شود یا با تغییر وزن مفرد و یا با تغییر وزن به همراه کم یا زیاد شدن حروف مفرد. ب. أسد: أسد کتاب: کتب رجل: رجال.

۸. کلمات زیر را ترجمه کرده، بنویسید در هر کدام تصغیر چه معنایی را می‌فهماند. ۲۹۴-۲۹۵

أ. عُيِيد:	بنده، برده بی ارزش و پست؛ شأن مصغر و برای تحقیر است.
ب. دریهما:	تعداد کمی درهم؛ عدد و برای تقلیل است.
ج. بُئِي:	پسرکم، محبوب و برای دلسوزی و ترحّم و تلفظ است
د. قبیل الظهر:	کمی قبل از ظهر، زمان و برای تقریب است.

۹. «همزه قطع» را تعریف کرده، چهار مورد از موارد آن را بنویسید. ۳۶۰

الهمزة اذا كانت تلفظ في درج الكلام كما تلفظ في الابتداء، و أوجب قطع ما بعدها عما قبلها تسمى همزة القطع و مواردها خمسة:

۱. ما اذا كانت بنفسها كلمة كهزمة الاستفهام ۲. ما اذا كانت حرفاً اصلياً للكلمة ك«أذن» ۳. الهمزة الزائدة في الصيغة ۱۳ من الفصل المضارع نحو: أقول ۴. في باب الافعال ۵. في ابتداء الاسم مطلقاً عدا ما سبق في مبحث همزة الوصل، ومن هذا القسم جموع التكسير و افعال التفضيل و الصفة المشبهة.